

## مصطفی هجری:

### رژیم ایران جامعه کارگری را از کرامت انسانی و زندگی امروزی محروم کرده است.

در ایران بحران زده تحت سلطه رژیم ایران، زمانی که روز جهانی کارگر گرامی داشته می‌شود، شاهد آن هستیم که زندگی کارگران و وضعیت این طبقه جامعه بیشتر رو به وخامت می‌رود. در نتیجه این سیاست غلط رژیم، وضعیت زندگی مردم به طور کلی و به ویژه سرنوشت میلیون‌ها کارگر و خانواده با نبود حق، بیکاری، تورم و مجموعه‌ای دیگر از مسائل و مشکلات اساسی گره خورده است؛ به گونه‌ای که آن را از کرامت انسانی و زندگی امروزی محروم کرده است. ضمن تبریک این مناسبت به همه کارگران کردستان و ایران، امیدواریم همه اقشار و طبقات با همبستگی بیشتر علیه رژیم ستمکار ایران مبارزه کنند.

مصطفی هجری

مسئول اجرایی حزب دمکرات کردستان ایران

۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۳

## ایران در آینه تازه‌ترین آمارهای رسمی:

# اعدام، تورم اقتصادی، کمترین آزادی و پایمال نمودن حقوق بشر



● مصطفی هجری:

### حکم اعدام برای توماج صالحی ادامه سیاست رژیم ایران برای سرکوب و حذف مخالفان است.

صادر نمودن حکم اعدام برای توماج صالحی، خواننده سبک رپر به دلیل مواضع و اعتراض علیه سیاست‌های رژیم جمهوری اسلامی به اتهام «فاسد فی الارض» ادامه سیاست‌های رژیم برای سرکوب و حذف مخالفان است.

توماج صالحی که ترانه‌هایش بعد سیاسی دارد و محتوای اعتراضی علیه رژیم ایران دارد به روشنی خط مبارزه علیه ستمکاری را انتخاب نمود. ضمن محکوم نمودن این حکم ضدبشری، خواستار حمایت نهادهای حقوق بشری هستیم تا مانع اجرای این حکم شوند.

مصطفی هجری

مسئول اجرایی حزب دمکرات کردستان ایران

۷ اردیبهشت ۱۴۰۳

### کشته و زخمی شدن ۳۷ کولبر طی ماه آوریل ۲۰۲۴ میلادی

طی ماه آوریل گذشته، حداقل ۳۷ کولبر در مرزهای کردستان کشته یا زخمی شده‌اند. بر اساس گزارش سازمان حقوق بشری ههنگاو در این ماه ۴ کولبر کشته و ۳۳ کولبر دیگر زخمی شده‌اند. طی این مدت حدود سی کودک کولبر با هویت پارسا حسینی و سه‌ده ساله اهل پاوه و ماهان مرادی ۱۷ ساله اهل جوانرود با شلیک مستقیم نیروهای نظامی رژیم ایران زخمی شده‌اند. مهرداد عبدالله زاده اهل سردشت، امید سید اهل سنندج، سیوان دست افکن اهل مریوان و شوانه احمد پور اهل پاوه چهار کولبری هستند که در ماه آوریل با شلیک مستقیم نیروهای نظامی رژیم ایران به سینه آنها کشته شده‌اند. بیشترین قربانیان با ۲۰ مورد مربوط به استان سنندج است.

### تلاش برای اخراج حسین موسویان از دانشگاه پرینستون آمریکا

از چگونگی مشارکت حسین موسویان در ترورهایی که در اروپا انجام گرفته است سخن می‌گفتند. وی همچنین از زبان ابوالقاسم مصباحی شاهد (C) از چگونگی مشارکت مستقیم موسویان در این ترور سخن گفت.

همچنین روز جمعه ۷ اردیبهشت تجمعی به منظور اخراج سید حسین موسویان در دانشگاه پرینستون نیوجرسی آمریکا برگزار شد. تجمع کنندگان با در دست داشتن پلاکار و پوستر شهیدان میکونوس عاملان ترور میکونوس را رسوا کردند.

حادثه ترور میکونوس سخنانی را ایراد نمود. وی در سخنان خود بیان کرد ترور میکونوس از ترور وین جدا نیست و باید در ادامه آن ترور برای آن مورد خوانش قرار گیرد.

سپس گلاره شرفکندی در مورد روش‌های پیشبرد سیاست رژیم ایران سخنانی را بیان نمود و همچنین به ترور، جاسوسی و چگونگی کارهای ضد بشری این رژیم پرداخت.

در بخشی دیگر از این کنفرانس پرویز دستمالچی، یکی از کسانی که از ترور میکونوس جان سالم به‌در برده است بیان کرد که رسانه‌های آلمانی

روز پنجشنبه ۶ اردیبهشت با حضور شماری از روزنامه‌نگاران و فعالان سیاسی در شهر واشنگتن آمریکا تجمعی برای شماری از قربانیان تروریسم رژیم ایران در خارج برگزار شد.

این تجمع که از سوی همبستگی علیه عوامل رژیم ایران در خارج برگزار شد؛ به منظور تلاش بیشتر کمپین اخراج حسین موسویان، تروریست رژیم ایران در دانشگاه پرینستون آمریکا برگزار شده بود.

در این تجمع کژال حاجی عباسی همسر سابق شهید فتاح عبدلی؛ یکی از شهدای ترور میکونوس در مورد شب

### بحران سرکشتگی در مرز ناسیونالیزم و راسیسم «بیداد» میکند

دکتر آوی سا رضایی

۴

### دوگانه حاکمیت و مردم، یک قدم تا فروپاشی

رضا دانشجو

۵

### افشای حقیقت در میان سانسور و تعصب

آزاد مستوفی

۳

### پیام مرکز اجرایی حزب دمکرات کردستان ایران به مناسبت ۱۲ اردیبهشت، روز دانشجوی کورد

۲

سورینی کردستان

به آتش کشیدن جنگلهای کردستان یک موضوع همه‌گانی است و برای رژیم فرقی نمی‌کند که کدام قسمت از محیط کردستان باشد

مصاحبه: شهرام سبجانی

۶



# پیام مرکز اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران به مناسبت ۱۲ اردیبهشت، روز دانشجوی کورد

**مردم آزادیخواه کوردستان!**

**اعضای اتحادیهی دانشجویان دمکرات  
کوردستان!**

**دانشجویان پرشور و مبارز کورد!**

۱۲ اردیبهشت روز دانشجوی کورد را صمیمانه به شما تبریک گفته و برای مبارزه‌ی سیاسی و تاثیر گذارتان در جبهه‌ی روشنگری و هویتخواهیتان، احترام ویژه‌ای قائلیم.

۱۲ اردیبهشت امسال ۵۹ سال از رویدادی میگذرد که مانند فصلی درخشان از تاریخ مبارزه رهاییبخش ملت کورد در شرق کوردستان نگاشته شده و الهام بخش مبارزین و میهن دوستان، علی‌الخصوص دانشجویان تلاشگر کورد شده است.

در سال ۱۳۴۲ هجری شمسی، تعدادی از مبارزین حزب دمکرات کوردستان تحت عنوان کمیته انقلابی حزب دمکرات کوردستان و با هدف شکستن استبداد سیاه رژیم پادشاهی پهلوی، شعله‌های قیام مسلحانه‌ای را برافروخته و جزیره امن محمدرضا شاه پهلوی را به لرزه در آوردند. در این قیام تاریخی، اسماعیل شریفزاده که خود یکی از رهبران این قیام بود و همانند دانشجوی کارآموده و مجرب کرد نقش اساسی و میدانی را در ارتقای هوشیاری ملی و مبارزه هویتخواهی ملت کورد برعهده داشت.

اسماعیل شریفزاده پیشرو آن دسته از فعالین سیاسی کورد بود که با فعالیت سیاسی و روحیه‌ای مبارز، تعریفی

نوین از هویت ملی گرایانه را در بین دانشجویان کورد و فعالین سیاسی و صنفی دانشجویان کرد در دانشگاه‌های ایران به میان آوردند. تحت شرایطی که صحنه سیاسی ایران در دهه‌ی ۴۰ شمسی، تماما زیر نفوذ ایدئولوژیک چپ از سویی و تفکر ملی‌گرایی ایرانی از دیگر سو بود، تعدادی از دانشجویان کورد در دانشگاه تهران - که یکی از آنها اسماعیل شریفزاده بود، ارتباطی گفتمانی و سیاسی را با جنبش ملی دمکراتیک کوردستان بنا نهادند که تبدیل به شروع یک حرکت رادیکال و ملی در بطن مبارزه کوردستان به رهبری حزب دمکرات کوردستان همزمان ارتباطی معرفتی دو سویه در میان جنبش چپگرای رادیکال از یک طرف و ملی‌گرای کوردی از طرفی دیگر شکل گرفت که در نهایت منجر به قیامی مسلحانه شد که جنبش انقلابی ۴۶-۴۷ نام گرفت.

در آن برهه از تاریخ ایران که آزادیهای سیاسی به شدت سرکوب گشته و هیچ امیدی به اصلاحات سیاسی در ایران نبود، شریفزاده و جمعی دیگر از جوانان دانشجو و دانشگاه دیده، جبهه مبارزه و فعالیت سیاسی خود را از دانشگاه و داخل شهرها به کوهستانهای کوردستان و صفوف انقلابیون حزب دمکرات کوردستان انتقال دادند. آنان همزمان در تلاش برای ارتقای سطح آگاهی سیاسی و اندیشه ملی و برجسته‌کردن ویژگی استقلال سیاسی در حزب دمکرات و در

اولویت قراردادن مبارزه سیاسی در داخل شرق کوردستان بودند که در نهایت تبدیل به هسته انقلابی مسلحانه علیه حاکمیت محمدرضا شاه پهلوی شد.

جنبش مسلحانه (۱۳۴۶-۱۳۴۷) اولین جنبش از این قبیل در ایران بود که با استقبال گرم و پر شوری از جانب مردم جان به لب رسیده مواجه شد و تبدیل به سراغزای برای مبارزه پارتیزانی در نقاط دیگر ایران شد. در نهایت روز ۱۲ فروردین ماه سال ۱۳۴۷ هجری شمسی اسماعیل شریفزاده و چند تن از همسنگران به کمین نیروهای سرکوبگر رژیم پادشاهی در اطراف شهر بانه افتاده و پس از درگیری به شهادت رسیدند.

**دانشجویان میهن دوست کورد!**

دانشجویان کورد در برهه زمانی کنونی نیز بخشی فعال از جنبش رهایی‌بخش و ملی کوردستان می‌باشند. آنها در داخل ایران با وجود سیاست سرکوب نهادهای قدرت رژیم در دانشگاهها و خیابانها در صفوف اولیه مبارزه ایستاده‌اند. آن هم در شرایطی که جمهوری اسلامی ایران در بدو به قدرت رسیدن دانشگاهها را تهدیدی برای حاکمیت ایدئولوژیک خود قلمداد میکرد و نهادهای مختلف امنیتی را در دانشگاهها مستقر کرده و در تلاش بود که هر گونه صدای آزادیخواهی و حق طلبانه را در دم خفه کند. مع‌الوصف این جنبش زنده ماند و طی خیزش ژینا دیدیم که دانشجویان در اغلب دانشگاههای کوردستان تبدیل به کاتالیزور و پیشرو این انقلاب شدند. دختران و

سپران کورد در دانشگاههای ایران و شرق کوردستان، مطالبات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را در قالب مبارزای هویتخواهانه‌ی ملی خود تبدیل به جوهر فعالیت‌هایشان کرده و تمامیت سیاسی ایدئولوژیک‌ی رژیم را مخاطب و هدف قرار دادند.

انقلاب ژینا و جنبش گسترده دانشجویی در این انقلاب در بسیاری از نقاط، ادامه مبارزه شهید شریفزاده و همراهانش بود و نقاط تشابه بسیاری را میتوان از آن دو جنبش مشاهده کرد. روحیه انقلابی و ساختارشکنانه شریفزاده و همراهانش در مقابله و خیزش بر علیه ستمکاری و دیکتاتوری از یک طرف و پایبندی به تعهد ملی و میهنی و پیوستن به جنبش ملی و همچنین زنده کردن امید دانشجویان به تغییرات اساسی، تشابهاتی هستند که فعالیت‌های دانشجویان در انقلاب ژینا را به جنبش دانشجویی دهه چهل شمسی با پیشگامی شریفزاده را به هم پیوند میزند. همین پیوند نیز موجب شده است راه شریفزاده همانند رهبر و سیمای پیشرو دانشجویی کورد همیشه پر رهرو بوده و هوشمندی نامگذاری روز شهادت شریفزاده به روز دانشجوی کورد از طرف اتحادیه دانشجویان دمکرات کوردستان ایران و پیشوازی جامعه دانشجوی کورد از این نامگذاری برجسته گردد.

حزب دمکرات کوردستان ایران با وجود این که خیزش دانشجویی کوردی را خیزشی انقلابی، ملی و عدالتخواه میدانند، باور عمیقی به لزوم سازماندهی هرچه

بیشتر دانشجویان در جهت سویه‌بخشی توانایی‌هایشان در تقابل با نظام دیکتاتور و اشکال مختلف تبعیض ملی، جنسیتی و طبقاتی داشته، و در این راستا از دانشجویان انتظار دارد پتانسیل و توان مبارزاتی خود را در راه اهداف والای این جنبش به کار گیرند.

حزب دمکرات کوردستان ایران در سایه اهمیت بخشی به مبارزه دانشجویان و جنبش ملی کورد در شرق کوردستان، اتحادیه دانشجویان دمکرات کوردستان ایران را تاسیس کرد و در این راستا حمایت خود را از مبارزه‌ی دانشجویان کرد در رسیدن به اهدافشان دربر خواهد کرد مرکز اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران ضمن بزرگداشت یاد و خاطره شهید اسماعیل شریفزاده، الگوی جنبش دانشجویی کوردی، روز ۱۲ اردیبهشت، اتحادیه دانشجویان دمکرات کوردستان، جامعه دانشجویی و همه مردم شرق کوردستان تبریک گفته و بر حمایت و پشتیبانی خود از مبارزه خستگی ناپذیر و رو به رشد دانشجویان شجاع و پیشرو جامعه کوردستانی تاکید می‌ورزد و دانشگاه و مراکز علمی را چه از لحاظ تولید فکر و چه از لحاظ فعالیت میدانی، محرک و پیشگام جنبش اجتماعی میدانند.

**حزب دمکرات کوردستان ایران**  
**مرکز اجرایی**  
**۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۳ شمسی**

## بیانیه اتحادیه زنان دمکرات کوردستان ایران به مناسبت ۱ ماه می اخراج ۱۷۰ کارگر خدمات شهرداری سقز در آستانه روز کارگر



اکثر آنها به کارگران بی ارزشی تبدیل می شوند که برای امرار معاش به شهرهای بزرگ مرکزی سرازیر می شوند. گاهها هزاران زن و کودک و خانواده به کارگران فصلی کوره و آجرپزی در سخت ترین شرایط کاری تبدیل می شوند و گاه در نقش کولبران هزاران بار، با بارهای سنگین بر دوش در سرما و گرما از دره ها عبور و از کوهها بالا می روند، از مرزهای مصنوعی عبور می کنند و اغلب در راه بازگشت مورد اصابت گلوله قرار می گیرند و خیلی مواقع سربازان دولت اشغالگر دشت های سرزمین را با خون کولبران رنگین میکنند.

ما به عنوان اتحادیه زنان دمکرات کوردستان ایران معتقد و مصر هستیم که بین نظام ستم تحمیل شده بر کارگران و فقرای کورد از یک سو و کورد بودن این فقرا و کارگران از سوی دیگر رابطه دیالکتیکی وجود دارد. به عبارت دیگر

شکل گیری دسته بندی های اجتماعی مانند کولبر کورد، زنان آجرپز و کولبر کورد، کارگران ارزان کورد و همه این فاجعه‌های ارتباط مستقیمی با کورد بودن آنها دارد. به همین دلیل است که ما اعتقاد داریم، آزادی طبقه کارگر کورد تنها در چارچوب آزادی وطن می تواند تامین شود.

**اتحادیه زنان دمکرات کوردستان ایران**

**۱ می ۲۰۲۴**



و متولیان منطقه‌ای آن مدیریت و بهره برداری می شود.

در گام دوم، این مدل اشغالگری به سرمایه گزار کورد اجازه سرمایه گذاری در جغرافیای کوردستان را در پروژه های بزرگ و مولد اقتصادی نمیدهد. در چنین شرایطی نه تنها رشد صنعت در کوردستان اتفاق نمی افتد، بلکه بر همین اساس

کارگر کورد، در روند توسعه خود هرگز این پیش شرط ها را که بتواند از پرولتاریای کشورهای صاحب صنعت پیروی کند، و صنعت خود را شکل دهد پیامد دردناک این وضعیت، شکل گیری نمونه‌های خاص از نیروی کار ارزان در کوردستان است که گاه به شکل مهاجرت می باشد.

**اتحادیه زنان دمکرات کوردستان ایران**  
**به مناسبت امی، روز جهانی کارگر بیانیه‌ای منتشر کرد.**

متن بیانیه بدین شرح است:

هموطنان گرامی

ما در حالی از ۱۳۵ مین سالگرد اول ماه می استقبال میکنیم، که ساختار اقتصادی کوردستان و در نتیجه وضعیت طبقه کارگر در این کشور با اکثر کشورهای پیشرفته بسیار متفاوت است. دلیل اصلی این امر تفاوت ناشی از نظام استعماری است که در طول تاریخ معاصر ایران در کوردستان ایجاد شده است. یکی از پیامدهای مخرب این نظام استعماری این است که در گام نخست، تمامی منابع طبیعی کوردستان به صورت اشغالگرانه توسط دولت مرکزی

کارگران و استادکاران بانه" اعلام کرد که این اقدام شهرداری سقز با اعمال فشار نهادهای فرادست رژیم صورت گرفته است شایان ذکر است که این کارگران با قرارداد ۸۷ روزه در بخش‌های فضای سبز، اجرائیات و نگهداری در این مجموعه مشغول به کار بوده‌اند.

همچنین سال‌هاست که تاخیر در پرداخت دستمزد کارگران شهرداری‌ها نیز به یک رویه تبدیل شده است. طی ماه‌ها و سال‌های اخیر بارها کارگران شهرداری در نقاط مختلف ایران در اعتراض به این رویه تجمع کرده‌اند. مسئولان شهرداری‌ها، کمبود منابع مالی به دلیل کاهش درآمد را دلیل پرداخت نکردن دستمزد کارگران اعلام و یا پیمانکار را مسئول پرداخت دستمزد کارگران معرفی می‌کنند.

در فاصله چند روز با اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت)، روز جهانی کارگر، دست‌کم ۱۷۰ کارگر خدمات شهرداری سقز از کار خود اخراج شده‌اند.

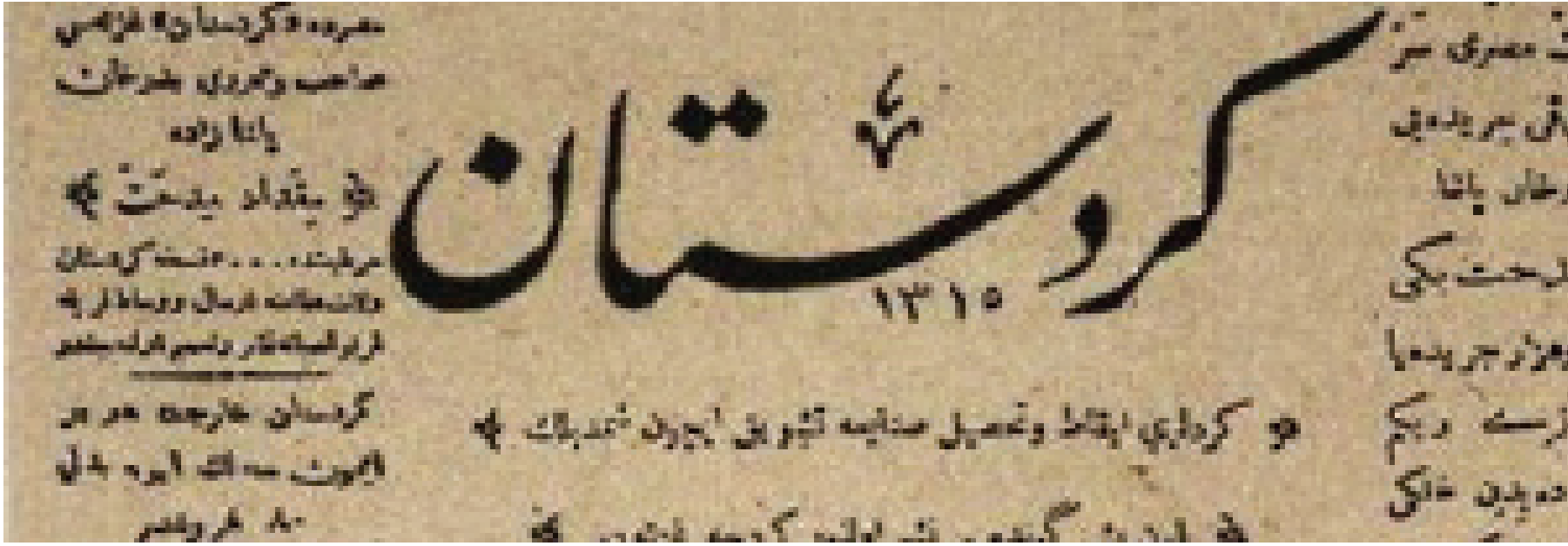
بنا به گزارشات رسیده، شهردای سقز در آستانه روز جهانی کارگر و در اقدامی ضدکارگری به سفره ۱۷۰ کارگر زحمتکش تعرض کرده و این کارگران را قربانی تنش و بحران درون سازمانی کرده است.

بنا بر این گزارش، شماری از این کارگران به سفارش اعضای شورای شهر، معاونین شهرداری و یا فرماندار بر سر کار بوده‌اند و اکنون بدنبال اختلاف بین شهردار با برخی اعضای شورا و فرماندار، این کارگران قربانی "زیرآب زنی" مسئولان مورد ذکر شده و از کار خود اخراج شده‌اند.

در همین رابطه، کانال تلگرامی "انجمن



# افشای حقیقت در میان سانسور و تعصب



آزاد مستوفی

## به مناسبت ۱۲۶مین سالگرد انتشار روزنامه‌ی "کوردستان"

دادن نمی‌تواند محدود شود". در سرزمین‌های تحت ستم دیکتاتوری و اشغالگری، همچون کوردستان، روزنامه‌نگاری به عنوان چراغ امید در میان تاریکی ظاهر می‌شود. این به عنوان راه نجاتی برای صداهای خاموش عمل می‌کند، جنایات را روشن می‌کند و واقعیت‌های پنهان شده توسط رژیم‌های خودکامه را افشا می‌کند. روزنامه‌نگاری مجرایی می‌شود که از طریق آن حقیقت منتشر می‌شود، انعطاف‌پذیری به نمایش گذاشته می‌شود و مقاومت گالوانیزه می‌شود. در مواجهه با ظلم، جوامع را توانمند می‌سازد تا روایت‌های خود را پس بگیرند، سرکوبگران خود را به چالش بکشند و آرزوی آینده‌ای را داشته باشند که با آزادی و عدالت تعریف می‌شود. بنابراین، برای کوردها و دیگرانی که ظلم و ستم را تحمل نمی‌کنند، روزنامه‌نگاری صرفاً یک حرفه نیست بلکه سلاحی برای رهایی و گواهی بر روح تسلیم‌ناپذیر انسانی است که می‌خواهد جامعه‌ای سالم و مبتنی بر اصول دموکراسی داشته باشد.

حفاظت از یکپارچگی روزنامه‌نگاری را بر عهده دارند. باید در برابر وسوسه عقب‌نشینی در اتاقک‌های پژواک، مصرف غیرانتقادی اطلاعات و تقاضای انطباق با تعصبات خود مقاومت کنند. باید تنوع افکار را بپذیرند و در گفتمان انتقادی شرکت کنند. روزنامه‌نگار و کاربران رسانه‌ها در برابر بالاترین استانداردهای بیان حقیقت مسئول‌اند. بدون شک در عصر ارتباطات و تلاش برای پایه‌گذاری جامعه‌ای سالم و مدنی بر مبنای اصول دموکراسی و حقوق بشر، اهمیت روزنامه‌نگاری را نمی‌توان نادیده گرفت. این سنگ بنای دموکراسی، سنگ بنای شفافیت و چراغ حقیقت در جهانی پوشیده از اطلاعات نادرست و سانسور است. در حالی که در آب‌های متلاطم قرن بیست و یکم حرکت می‌کنیم، بیایید تعهد خود را به اصول روزنامه‌نگاری، به دنبال حقیقت و حفظ یک جامعه آزاد و آگاه مجدداً تأیید کنیم. زیرا به قول توماس جفرسون، "آزادی ما به آزادی مطبوعات بستگی دارد، و این آزادی بدون از دست

روانمانگاری، در ذات خود، به دنبال عینیت، تعهد به ارائه دیدگاه‌های متنوع و تعهد به کشف حقایق چند وجهی است که زمینه‌ساز مسائل پیچیده است. مطالبه پوشش یک طرفه به معنای فرسایش بنیان خود روزنامه‌نگاری، کنار گذاشتن تعقیب حقیقت به نفع آسایش جهل و خیانت به اعتماد خوانندگانی است که برای پیمایش در هزارتوی اطلاعات به روزنامه‌نگاران متکی هستند. در مواجهه با این چالش‌ها، روزنامه‌نگاران باید بر تعهد خود به حرفه خود ثابت قدم بمانند. آنها باید نقش خود را به عنوان نگهبانان حقیقت، به عنوان مدافعان شفافیت و به عنوان مدافعان بی‌صدا که بدنبال کسب قدرت نیستند، بپذیرند. آنها باید در برابر جذابیت پاداش‌ها و منافع سانسور برای حاکمیت مقاومت کنند، از فشارهای جانبدارانه نگاه‌داشتن و پوشش دادن رویدادها سرپیچی کنند و از اصول صداقتی که در قلب روزنامه‌نگاری نهفته است، حمایت کنند. علاوه بر این خواننده، بیننده و شنونده نیز به عنوان مصرف‌کنندگان اخبار، مسئولیت

بپوشاندن و روایت را مطابق با منافع خود دستکاری کنند. با این حال، دقیقاً در این مناظر ظالمانه است که اهمیت روزنامه‌نگاری بیش از همه می‌درخشد. زیرا وظیفه روزنامه‌نگار است که از قید و بندهای سانسور سرپیچی کند، صداهای خاموش را تقویت کند و نوری نافذ به ورطه سرکوب بتاباند. علاوه بر این، چالش‌های روزنامه‌نگاری تنها از دلان‌های قدرت سرچشمه نمی‌گیرد، بلکه از دلان‌های افکار عمومی نیز منبعث می‌گردد. در عصری که اطلاعات نادرست گسترش یافته و اتاق‌های پژواک رشد می‌کنند، این تصور خطرناک وجود دارد که روزنامه‌نگاری باید مطابق با هوس‌های افراد باشد، باید با سوگیری‌های از پیش تعیین‌شده مطابقت داشته باشد، و باید به عنوان سخنوری برای برنامه‌های حزبی و گروهی عمل کند. چنین تصویری نه تنها با اصول روزنامه‌نگاری منافات دارد، بلکه ماهیت آن را نیز تضعیف می‌کند و باعث تنزل ماهیت روزنامه‌نگاری و شخصیت روزنامه‌نگار هم خواهد شد.



در تار و پود جامعه روزنامه‌نگاری به عنوان بافنده حقیقت، حامل مشعل شفافیت و نگهبان دموکراسی است. ماهیت آن صرفاً در گزارش رویدادها نیست، بلکه در زیر ذره‌بین بردن آنها، به چالش کشیدن وضعیت موجود، و حمایت از ارکان آزادی بیان نهفته است. با این حال، در سایه رژیم‌های اقتدارگرا و اتاق‌های پژواک تعصب، قداست روزنامه‌نگاری اغلب با چالش‌های بزرگی مواجه است. در هسته خود، رسالت روزنامه‌نگار از مرزهای داستان‌سرایی صرف فراتر می‌رود. این در مورد تحریک کنجکاو، برانگیختن بحث و جرعه زدن تغییر است. جوهر واقعی روزنامه‌نگاری در توانایی آن در طرح پرسش‌ها، برانگیختن در زیر سطح و آشکار ساختن حقایق پنهانی است که در راهروهای قدرت نهفته است. روزنامه‌نگاری تلاش بی‌وقفه برای شفافیت، تعهد تزلزل‌ناپذیر برای پاسخگو کردن صاحبان قدرت و تعهد تزلزل‌ناپذیر برای توانمندسازی مردم با دانش است. با این حال، در آب تیره رژیم‌های دیکتاتوری، روزنامه‌نگاری به خاری در چشم مستبدان تبدیل می‌شود. سانسور به سلاح انتخابی تبدیل می‌شود، زیرا ظالمان می‌خواهند صدای مخالفان را خفه کنند، اعمال خود را در تاریکی

## شکایت هنرمند حسین صفامنش از سریال ضد کوردی "نون.خ" افزایش ۵ برابری خودکشی پزشکان در ظرف چند سال گذشته

همزمان با افزایش مشکلات شغلی پزشکان در ایران، آمار خودکشی در میان این قشر به شدت افزایش یافته و نظام سلامت ایران را به ورطه فروپاشی رسانده است. بر اساس گزاری روزنامه "دنیای اقتصاد"، خودکشی پزشکان در ایران به مرز هشدار رسیده و از افزایش ۴۰ درصدی خودکشی در میان پزشکان مرد و ۱۳۰ درصدی در میان پزشکان زن نسبت به جمعیت عمومی خبر داد. همچنین این روزنامه اعلام کرد که میزان خودکشی پزشکان در چند سال اخیر در سراسر ایران ۵ برابر افزایش یافته است. محمد میرخانی، مشاور اجتماعی سازمان نظام پزشکی ایران در رابطه اعلام کرد که سرعت خودکشی در میان پزشکان و رزیدنت‌ها صعودی شده و احتمالاً به زودی نرخ خودکشی پزشکان در ایران از سایر کشورها پیشی بگیرد. نامبرده وضعیت کنونی را ماحصل سال‌های سال مدیریت غلط درمانی عنوان کرد و افزود که اصلاحات جوابگو نیست و خواستار تحول در این زمینه شد. این مسئول رژیم عواملی همچون: کاهش سطح رفاه پزشکان، کاهش درآمد، نداشتن امنیت شغلی و جانی، مورد حمله قرار گرفتن از سوی خانواده بیماران و از بین رفتن جایگاه اجتماعی پزشکان را از علل افزایش خودکشی بین پزشکان عنوان کرد. میرخانی همچنین از خودکشی قطعی ۱۶ نفر در سال ۱۴۰۲ خبر داد و گفت که ممکن است این آمار بیشتر نیز باشد. در دی‌ماه سال گذشته، انجمن علمی روانپزشکان ایران طی نامه‌ای به ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور رژیم نسبت به افزایش آمار خودکشی بین رزیدنت‌ها هشدار داده و تداوم این روند را زمینه‌ساز فروپاشی نظام سلامت کشور عنوان کرده بود. آمار خودکشی رزیدنت‌ها و دستیاران تخصصی پزشکی ۱۰ برابر خودکشی جمعیت عمومی کشور است. - بهرام عین‌الهی وزیر بهداشت رژیم ایران نظام سلامت ایران را قوی‌ترین حوزه نظام سلامت منطقه دانسته و گفته «پیگیری مصوبات مقام رهبری، گفتمان سازی، هماهنگی نظام سلامت با حوزه های علمیه، تقویت نیروهای انقلابی و غیره از مهمترین موارد هدف‌دار در دفتر نمایندگی مقام رهبری در ستاد وزارت بهداشت است.

## شکایت خواننده سرشناس کوردستان، "حسین صفامنش" در پیامی ویدیویی اعلام کرد که بدلیل استفاده غیرمجاز و بدون اجازه از آثارش در سریال ضد کوردی "نون.خ"، از عوامل این سریال شکایت خواهد کرد.



از جامعه‌ی کوردستان نموده است. همین امر مسبب شد تا دلسوزان ملت و میهن از سلاحشان علیه این تفکر شوم بهره گیرند. کارگردان و تهیه کننده سریال گویی تنها در خیابانهای تهران کوردها را دیده‌اند. به لباس و زبان وی توجه کرده‌اند ولی حتی نیم ساعت در کوردستان نبوده‌اند و تنها با ذهنیت پایتخت‌نشینی به کوردستان نگاه کرده‌اند. در این سریال انسان‌هایی به نمایش گذاشته شده‌اند که گویی هنجارهای رایج در بین کوردها سست و شکننده است (رفاقت، همسایگی، ازدواج، احترام، تعهد و و حرص و طمع (پولی) شخصی هر لحظه هنجارهای اجتماعی را دود می‌کند و به هوا می‌فرستند.



رسانده است. سریال ضد کوردی "نون.خ" با اهانت به نوع پوشش و لباس کوردی و با ابداع یک زبان و لهجه من‌درآوردی و با هدف ذوب کردن زبان کوردی در زبان فارسی و در نتیجه فراموشی و حذف زبان کوردی از صدا و سیمای رژیم اسلامی ایران پخش شده که با اعتراض گسترده مردم کوردستان همراه شده است. سریال نون خ زمانی به نمایش درآمد که مشکلات معشتی و اقتصادی گریبانگیر تمام جامعه است، با این حال اتاق فکر رژیم در چنین شرایطی نیز دست از سیاست‌های خصمانه‌ی خود علیه ملت کورد برداشته و تمام تلاش خود را برای نشان دادن چهره‌ای نامناسب، ضعیف، متکی و متزلزل



هنرمند سرشناس کوردستان، "حسین صفامنش" در پیامی ویدیویی اعلام کرد که بدلیل استفاده غیرمجاز و بدون اجازه از آثارش در سریال ضد کوردی "نون.خ"، از عوامل این سریال شکایت خواهد کرد. حسین صفامنش در این پیام ویدیویی و در واکنشی تند به استفاده از آثارش در این سریال، اعلام کرد که اثر وی بدون کسب اجازه و قرارداد با او و یا مدیر برنامه‌اش صورت گرفته است. همچنین مدیر برنامه‌های حسین صفامنش روز دوشنبه ۱۰ اردیبهشت‌ماه، شکایت رسمی و قانونی خود درباره این روند غیرقانونی را علیه سعید آقاخانی، کارگردان این سریال سخیف ضد کوردی به ثبت



# بحران سرگشتگی در مرز ناسیونالیسم و راسیسم "بیداد" میکند



دکتر آوی سارضاپی

نسل نو به علت اعمال همه جانبه آسیمیلاسیون، مبتلا به سرگشته‌گی ایدئولوژیکی هستند و این میتواند آسیب جبران ناپذیری به کلیت سیستم فکری و مبارزاتی بزند.

ما در مرزهای ناسیونالیسم و راسیسم دچار سرگشته‌گی شده‌ایم.

بجای ملی‌گرایی و خودشناسی و بهره‌گیری و تولید ملی روی به دیگرستیزی آورده‌ایم.

سرگشته‌گی در این دو ایدئولوژی ضربه‌های مهلکی را به ساختار تربیتی و سیاسی یک ملت وارد خواهد کرد و باعث از دست دادن دوستی و در نتیجه به وجود آمدن جنگ‌های داخلی و عدم تجارت موفق و رقابت سالم خواهد بود.

سرگشتگی و اشتباه هر فرد در این مقوله میتواند آسیب جبران ناپذیری به کلیت سیستم فکری و مبارزاتی بزند.

برای پاسخ دادن به این پرسشها ابتدا باید تعریف دقیقی از هر دو مفهوم ارائه کنیم، و سپس به تاثیرات و پیامدهای آن بر جوامع و فرهنگها پرداخته و در نهایت شناسایی "رفتارهای مرزی بارز و مبهم" بین دو مفهوم و راهکار ممکن برای کاهش سرگشتگی بین این دو مسئله پرداخت.

مفهوم کلمات "ناسیونالیسم" و "راسیسم" را به کرات از زبان فلاسفه نامدار دنیا مطالعه کرده‌ایم و در تمام مکاتب فلسفی معنایی مشابه و یکسان دارند. ناسیونالیسم سالم رویکردی مناسب است و راسیسم عملکردی منفی با پیامدهای منفی‌تر ناسیونالیسم چیست؟

اصطلاح «ناسیونالیسم» به طور کلی برای توصیف دو پدیده به کار می‌رود: نگرشی که اعضای یک ملت هنگام اهمیت دادن به هویت ملی خود دارند و اقداماتی که اعضای یک ملت در تلاش برای دستیابی به (یا حفظ) حق تعیین سرنوشت انجام می‌دهند.

در هر توصیفی که از سوی دایره‌المعارف فلسفی استنفورد ارائه شده است، تأکید بر "خود" و برخی ویژگیهای متمایز کننده "خود" از "دیگری" شده است. بنابراین می‌توان گفت که ناسیونالیسم یک ایدئولوژی است که تأکید بر ویژگی‌های خاص و منحصر به یک ملت یا قوم دارد. این ایدئولوژی معتقد است که هر ملت یا قوم دارای حقوق و تمایزات خاص خود است و باید از آن‌ها حمایت شود. ناسیونالیست‌ها معتقدند که هر ملت باید قدرت و استقلال خود را حفظ کرده و منافع آن را در برابر دخالت‌های خارجی حفظ کند.

ویژگی‌های خاص یک ملت ممکن است شامل زبان، فرهنگ، تاریخ، اعتقادات، مقولات و هویت، مشترک باشد. این ویژگی‌ها ممکن است به عنوان عناصر تعریف‌کننده یک ملت و هویت ملی آن

شناخته شوند. اما باید توجه داشت که ویژگی‌های یک ملت به متغیر و گسترده هستند و نمی‌توان آن‌ها را به چند ویژگی ساده و ثابت تقلیل داد.

در تعریف یک ملت، میزان جمعیت برای تشکیل یک ملت مشخص نشده است، اما عوامل دیگری مانند وجود فرهنگ، زبان، ویژه، تاریخ و جغرافیا ثروت ملی و گاه‌ها هم آیین‌ها و رسومات برای تشکیل ملت مستقل اهمیت دارند.

ثروت ملی و اقتصاد در تئوری ناسیونالیسم

تولید ملی و اقتصاد در ناسیونالیسم نقش بزرگی دارد زیرا این نظریه تأکید بر استقلال اقتصادی و توسعه داخلی دارد و تمرکز بر روی منافع ملی و تولید داخلی را ترویج می‌کند. و میتواند روندی جهشی به سوی دولت شدن را در اختیار یک ملت بگذارد.

آموزش و پرورش در ناسیونالیسم به منظور تقویت هویت ملی و ارتقای فرهنگ و ارزش‌های ملی، آموزش و پرورش باید براساس اصول و ارزش‌های ملی تدارک دیده شود. این نظام آموزشی به منظور تقویت هویت ملی و ترویج ارزش‌های زبانی، فرهنگی و تاریخی ملت تأکید دارد. و مهمترین نقش ممکن در تربیت نسل آگاه به حقوق ملی را ایفا میکند. آموزش و پرورش موجب رشد یک جامعه میشود و جامعه را به سمت رشد تخصصی و اقتصادی و تولیدگری و بهره‌سازی سوق میدهد و ملت را از استعمار بیگانه و همسایه درآورده و تبدیل به ملتی مستقل میکند.

پس همانطور که پیشتر سلیس مطرح شد ناسیونالیسم یک ایدئولوژی است که بر تأکید بر ارزش‌ها، منافع و استقلال ملت متمرکز است. این ایدئولوژی بر اصالت زبانی، اقتصادی، فرهنگی و تاریخی یک ملت تأکید دارد و تمایل به حفظ و تقویت هویت ملی دارد. ناسیونالیست‌ها به عنوان حامیان قدرت ملی شناخته می‌شوند و اغلب بر تفاوت‌های فرهنگی و نژادی تأکید دارند. اما غلظت غلط این ایدئولوژی ممکن است باعث تشدید تفاوت‌های ملی و بین‌المللی شود و در برخی موارد به نژادپرستی و تعصب منجر شود که همزیستی مسالمت آمیز با ملت‌های دیگر را به خطر می‌اندازد و موجبات اختلافات بزرگی در عرصه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی را فراهم می‌آورد و در مجموع اصول صلح را خدشه‌دار میکند.

ناسیونالیسم سالم در کشورهای چند

ملیتی در چنین سیستمی، ناسیونالیسم سالم زمانی رخ می‌دهد که یک ملت به ارزش‌ها

و هویت ملی خود احترام می‌گذارد، اما در عین حال با دیگر ملل همسایه همکاری و همزیستی مسالمت‌آمیز دارد. ناسیونالیسم سالم بر تقویت واحد ملی و ارتقاء توانمندی‌های داخلی تأکید دارد، با حفظ جدی ویژگی‌های منحصر به ملت خود از نژادپرستی یا ما برتری خودداری می‌کند. این نوع از ناسیونالیسم در کنار تأکید بر تفاوت‌ها، بر تقابل و همکاری سازنده با دیگران نیز تأکید دارد و به منافع مشترک جهانی نیز توجه دارد. ناسیونالیسم سالم در کشورهای چند ملیتی ضروری است زیرا به تقویت هویت ملی و ارزش‌های فرهنگی مختلف کمک می‌کند. این نوع از ناسیونالیسم به جای تأکید بر تفاوت‌ها، بر همکاری بین اقوام و فرهنگ‌ها تأکید دارد. ناسیونالیسم سالم در کشورهای چند ملیتی می‌تواند به تقویت وحدت ملت و ارتقاء تعاملات فرهنگی و اجتماعی بین گروه‌های مختلف کمک کند. این نوع از ناسیونالیسم به منافع مشترک جامعه و همبستگی بین الملل و اقوام تأکید دارد و باعث افزایش تعاملات سازنده و همزیستی صلح‌آمیز بین تمام ملل مختلف ساکن در یک جغرافیا می‌شود.

راسیسم، نژادپرستی (Racism) راسیسم ایدئولوژی مبتنی بر این باور که سلسله مراتبی بین گروه‌های انسانی وجود دارد که قبلاً «نژاد» نامیده می‌شد. رفتاری که از این ایدئولوژی الهام گرفته شده است.

۱. امروزه وجود نژادها در میان انسانها به طور مطلق رد شده است و اتفاق نظر بسیار قوی به لحاظ بیولوژیکی مبنی بر وجود یک نژاد برای انسان که همانا هوموسپین می‌باشد. از سوی دیگر، نژادپرستی یک نظریه علمی نیست، بلکه مجموعه‌ای از نظرات است که چندان منسجم نیستند. علاوه بر این، این نظرات، به دور از مشاهدات عینی، خارج از شخص بیان کننده، توجیه نگرش‌ها و اعمالی هستند که خود به انگیزه ترس از دیگران و تمایل به حمله به آنها برای اطمینان بخشیدن به خود و ادعای خود می‌باشند.

۲. طبق دایره المعارف جهانی فرانسه نژادپرستی عبارت است از ارزش‌گذاری تمیم‌یافته و قطعی تفاوت‌های بیولوژیکی، واقعی یا خیالی، به نفع متهم و به ضرر قربانی او، به منظور توجیه حمله.

۳. پس با این اوصاف راسیسم به خودبرتر پنداری و تبعیض و تفاوت‌گذاری بر اساس نژاد، اعتقادات و باورهای فرهنگی یا اعتقادات دینی، رنگ پوست و... اشاره دارد. این ایدئولوژی منجر به تبعیض و سلب حقوق فردی می‌شود و خطرات جدی برای ملی‌گرایی ایجاد می‌کند. راسیسم ممکن

است باعث تفکر گروهی و تفکر «ما» در مقابل «آن‌ها» شود که مانع از همکاری و همزیستی صلح‌آمیز با دیگران می‌شود. این ایدئولوژی نقصان عظیم به هویت ملی و تضاد در جامعه و کشورها وارد می‌کند. راسیسم از تفاوت‌های نژادی برای تبعیض و تحقیر استفاده می‌کند. عوامل مختلفی مانند تربیت، فرهنگ و تجربه‌های شخصی می‌تواند باعث بروز راسیسم شود.

علت اصلی اعمال نژادپرستی توسط اکثریت، بیم داشتن از قدرت گرفتن اقلیت است. گروه اکثریت با استفاده از سلسله مراتب قدرت و ایجاد پروپاگاندا یا بوروکراسی مورد پسند خود، سبب می‌شود تا چهره گروه اقلیت را خدشه‌دار ساخته، موقعیت‌های ارتقاء دهنده اجتماعی را سلب و تصویر ناشایست، ناپسندیده، و فروتری از آن را در بین اجتماع به نمایش بگذارد تا در نتیجه چشمه‌های رشد و شکوفایی آن‌ها در نطفه بشکند.

تفاوت ناسیونالیسم و راسیسم ناسیونالیسم یا ملی‌گرایی به تأکید بر ارتباطات فرهنگی و ملیت مردم یک کشور اشاره دارد، در حالی که نژاد ستیزی به تبعیض و تبلیغ نژاد یا اعتقاد به تفوق یک نژاد نسبت به دیگران مربوط می‌شود.

اکنون که با معنی دو مقوله‌ی راسیسم (Racism) و ناسیونالیسم (Nationalism) بطور ساده آشنا شدیم به سرگشتگی رفتاری ملی‌گرایی در مرز نژادستیزی می‌پردازیم.

اگر احساس می‌کنید که خودشناسی شما در حال تبدیل شدن به نژادستیزی یا دیگر ستیزی است، می‌توانید به این نکات توجه کنید:

۱. بررسی نگرش‌ها: بررسی نگرش‌ها و عقاید خود و دیگران نسبت به افراد متفاوت و فهم این پرسش که آیا این نگرش‌ها به سمت تبعیض و نژاد ستیزی هستند یا خیر؟  
۲. بحث و گفتگو: بحث و گفتگو با دوستان و خانواده در مورد این موضوع و شنیدن دیدگاه‌های آن‌ها.  
۳. آموزش و آگاهی: پیدا کردن منابع آموزشی و آگاهی‌بخش در مورد نژاد ستیزی و روش‌های مقابله با آن.  
۴. تغییر رفتار: اصلاح رفتارهای خود اگر متوجه شدید که قبول کردن چنین رفتارهایی منجر به نژاد ستیزی است.  
۵. حمایت از تغییر: حمایت از تغییرات قانونی و اجتماعی که به جلوگیری از نژاد ستیزی کمک کند و اگر متوجه شدید که اطرافیان شما در این سرگشتگی قرار گرفته‌اند پیش از

هرچیز بطور منطقی و اصولی با آنها گفتگو کنید و تلاش کنید به مساوات حقوق انسانی و ملی در بین ملل و اقوام و انسانها و شهروندی برابر تأکید کنید و ایشان را از سرگشتگی نجات دهید.

تفرقه بینداز و حکومت کن.

سرگشتگی در مرز ناسیونالیسم و راسیسم یکی از بزرگترین پلانیهای حکومت‌های توتالیتر است. ملی‌گرایی و ناسیونالیسم از مستلزمات غیرقابل انکار هر نژاد و ملت برای بقای همه جانبه‌ی آن ملت می‌باشد اما نژاد ستیزی، دشمنی و تفرقه کمک به پلان رژیم برای حکومت بر ملل ساکن در یک جغرافیاست. با تفرقه افکنی و پروژه‌ی اشاعه‌ی راسیسم در بین ملت‌های مختلف آن ملت‌ها و اقوام را سرگرم جنگ‌های داخلی و فرهنگی و ملی و زبانی و... میکند و خود به چپاول ثروت آن ملت‌ها می‌پردازد. از تولیدکنندگی دورشان می‌سازد و به مصرف کننده‌های مطلق تبدیلشان می‌کند. و اینگونه هم استقلال مالی، هم استقلال سیاسی و هم استقلال فرهنگی را از آنها گرفته و به مللی رو به افول و وامانده از جامعه‌ی جهانی تبدیل می‌کند.

مللی ملقب به جهان سوم‌ها، ملت‌هایی که در قرن ۲۱ هنوز هم در حال مبارزه برای بدست آوردن اولین و پیش‌پا افتاده‌ترین حقوق انسانی خودمان هستیم.

تبعیض، تفرقه ایجاد می‌کند و انسان‌ها را به دو یا چند گروه تقسیم می‌کند. این باعث بروز تنش‌ها و ناسازگاری در جامعه می‌شود. راسیسم و نژادستیزی هم باعث ایجاد تفاوت‌ها و نابرابری در اجتماع می‌شود. این موضوع منجر به عدم احترام به حقوق انسانی، تبعیض در زمینه‌های شغلی و آموزشی، و حتی خشونت و تحقیر می‌شود. در حالیکه ناسیونالیسم، شناخت و احترام به فاکتورهای ملی خویش و احترام متقابل به فاکتورهای ملت‌های همسایه باعث پیشرفت و تمدن سریعتر میشود و همزمان باعث خنثی کردن پلان دشمن در پروژه‌ی پرورش بی‌اعتمادی، کینه، عداوت و خصومت بین ملت‌های مختلف است. امروزه به شدت شاهد این سرگشتگی بخصوص در فعالین سیاسی و اجتماعی هستیم که میتوان به جرات گفت از ناآگاهی سرچشمه می‌گیرد و همانطور که پیشتر هم اشاره شد فقط به کمک آموزش و پرورش صحیح می‌توان این معضل را حل کرد.

منابع:  
www.larousse.fr  
lbid  
www.universalis.fr



# دوگانه حاکمیت و مردم، یک قدم تا فروپاشی



رضا دانشجو

شاید بتوان بازی های تیم ملی ایران در جام جهانی فوتبال در قطر را که همزمان با حوادث انقلاب ژینا بود عنوان نقطه عطفی در شکاف بین حاکمیت و مردم ایران قلمداد کرد. جایی که در پایان رقابت سنتی جمهوری اسلامی با ایالت متحده آمریکا، حکومتی که جمهوری اسلامی از آن به عنوان شیطان بزرگ یاد می کند و دشمن فرضی و همیشگی دستگاه پروپاگاندای جمهوری اسلامی است، دهها هزار نفر در شهرهای مختلف ایران پیروزی دشمن همیشگی رژیم را جشن گرفته و برای آن سوت و کف زدند! جایی که رژیم جمهوری اسلامی ناتوان از درک شرایط و قبول این واقعیت و چرخش تاریخی مردم ایران، مثل همیشه چاره را در توسل به زور و اینبار شلیک به سوی مردمش دید! در روزی که مردم ایران خوشحال از پیروزی شیطان بزرگ بر جمهوری اسلامی، فریاد شادی سر می دادند جمهوری اسلامی بیش از هر زمان دیگری خود را در سراسیمگی سقوط می دید.

این آغاز یک حرکت ادامه دار بود که به مرور زمان به یک دسته بندی آشکار سیاسی در میان مردم ایران انجامید. جمهوری اسلامی و در راس آن علی خامنه ای که سالها با دوگانه خودی و غیر خودی، در هنگام بسیاری از تسویه حساب های داخل حاکمیت، عده ای را کنار می زد، این بار تماشاگر کنار زدن خود و یارانش از سوی مردم بود. حالا دیگر هرکسی در هر جایگاهی در صورت حمایت از جمهوری اسلامی از سوی مردم، وابسته به حاکمیت، مزدور و عامل دیکتاتور معرفی و در لیست سیاه قرار می گرفت. ورزش، سینما، سیاست هم هیچ فرقی نمی کند حالا حتی حضور در کنار عناصر رژیم هم از سوی مردم گناهی نابخشودنی و مشروعیت دادن به حاکمیت است.

آنچه در این میان بسیار قابل توجه است که تمام این حرکت ها کاملا خودجوش اما ساختارمند از داخل ایران و با همراهی خود مردم صورت می گیرد، نکته مهم دیگر میزان تاثیرگذاری این حرکت در میان توده های مختلف مردم است جایی که مکررا دیده می شود عناصر وابسته به رژیم بارها سعی کرده اند حداقل در ظاهر خود را از وابستگی به رژیم تبرئه کنند. این میزان از تاثیرگذاری افکار عمومی باعث آن شده است که بسیاری از کسانی که ناخواسته یا به قصد منافی دست دوستی به سوی رژیم دراز کرده اند در زیر بار این فشارها، مجبور به عذرخواهی شوند!

حالا متر و معیار درست بودن مخالفت با گفته های رژیم است هر خبری از سوی

رسانه های رژیم از سوی مردم غیرقابل باور و ناراست ارزیابی می شود. دوگانه حاکمیت

## در روزی که مردم ایران خوشحال از پیروزی شیطان بزرگ بر جمهوری اسلامی ، فریاد شادی سر می دادند جمهوری اسلامی بیش از هر زمان دیگری خود را در سراسیمگی سقوط می دید.

مردم در یک پیچ تاریخی سرنوشت ساز در حال دور شدن از همدیگر هستند بگونه ای که هر روز بیشتر از روز قبل از هم فاصله می گیرند. به صراحت می توان گفت دیگر ملت و حاکمیت هیچ زبان مشترکی برای گفتگو ندارند و هیچ تمایلی هم برای یافتن آن از خود نشان نمی دهند. برای مردم تنها گزینه، عبور از جمهوری اسلامی است و به چیزی کمتر از آن راضی نمی شوند. این تضاد به حدی رسیده است که حتی نیروهایی که اینک مخالف جمهوری اسلامی هستند اما زمانی جزو حاکمیت بوده اند کاملا غیرقابل باور و اتکا از سوی مردم تلقی می شوند! در واقع آنچه مردم ایران از آن تبری می جویند نه تنها جمهوری اسلامی بلکه تمام هنجارهایی است که جمهوری اسلامی به آنها باور داشته یا حداقل به خاطر حفظ پرنسپب های مذهبی خود سالها برای برپایی آنها تلاش کرده است.

شاید بتوان حجاب اجباری را بزرگترین

هنجاری دانست که اینک در دوگانه حاکمیت و مردم در حال بحث و گفتگو است. جمهوری اسلامی حجاب را به عنوان نقطه تثبیت ارزش های دستوری خود می داند و هرگونه عقب نشینی از آن را غیرممکن و مرگبار برای خود می بیند. در نقطه مقابل علی رغم همه هزینه هایی که مردم در این مسیر پرداخت کرده اند بسیار مصمم تر از گذشته در حال مبارزه با این هنجار دستوری رژیم هستند.

نباید فراموش کرد آنچه تحت عنوان مبارزه با حجاب اجباری عنوان می شود بسیار وسیع تر و گسترده تر از یک مفهوم ساده و دینی به نام حجاب است. ساده لوحانه است اگر کسی تصور کند دلیل اینهمه سخت گیری و آزار و اذیت و زندان از نگاه جمهوری اسلامی برای احترام به یک حکم شرعی و دینی است! حکمی دینی و شرعی که بسیار مورد اختلاف است و بارها از سوی بسیاری از مراجع مخالف حاکمیت نقد شده است! حجاب برای جمهوری اسلامی همان فرو ریختن دیوار برلین است! فرو ریختن دومینه وار هنجار و ارزش های دروغین که جمهوری اسلامی سالهاست در پشت آنها خود را پنهان کرده است. واقعیت این است که اگر کسی به جمهوری اسلامی قول می داد که مردم ایران با برداشتن قانون حجاب اجباری قانع می شوند رژیم همین فردا این کار را می کرد!

حمله جمهوری اسلامی به اسرائیل را در پاسخ به کشته شدن چند تن از فرماندهان گروهک تروریستی سپاه اسرائیل را می توان جدیدترین قسمت رویایی مردم و حاکمیت دانست. جایی که بعد از مدت ها شانتاژ خبری و در بوق و کرنا کردن رژیم مبنی بر اینکه انتقام سختی از

اسرائیل خواهد گرفت شلیک چند موشک سرگردان که تقریبا هیچ کدام هم به اسرائیل نرسید پایان این یاوه گویی ها بود. اگر از افتضاح شلیک موشک ها و پهپادها که تقریبا طنز همه رسانه های جهان بود بگذریم باید به واکنش جالب مردم ایران اشاره کنیم. واکنشی که از همان لحظه

## دوگانه حاکمیت و مردم در یک پیچ تاریخی سرنوشت ساز در حال دور شدن از همدیگر هستند بگونه ای که هر روز بیشتر از روز قبل از هم فاصله می گیرند. به صراحت می توان گفت دیگر ملت و حاکمیت هیچ زبان مشترکی برای گفتگو ندارند و هیچ تمایلی هم برای یافتن آن از خود نشان نمی دهند. برای مردم تنها گزینه، عبور از جمهوری اسلامی است و به چیزی کمتر از آن راضی نمی شوند.

اول با ساختن صدها نوشته و ویدیو طنز کل شبکه های اجتماعی را فرا گرفت و به صدر رخدادهای آمد البته با رویکردی

کاملا طنز! جمهوری اسلامی که با راه اندازی نمایش مسخره ای تحت عنوان انتقام سخت امید داشت حداقل بخشی از جامعه را ولو برای مدت کوتاهی با خود همراه کند با کابوس تمسخر افکار عمومی روبرو شد. شدت این جریان به حدی بود که سازمان اطلاعات گروهک تروریستی سپاه پاسداران در اقدامی بی سابقه مردم را تهدید کرد که ساختن هرگونه جک و لطیفه در مورد این حمله جرم است و با مجرمین به شدت برخورد خواهد شد!!!

شاید بتوان گفت حالا دیگر مردم و حاکمیت کاملا از همدیگر دور شده و اینک در فاصله ای دور از هم روبروی همدیگر سنگر گرفته اند این نقطه پایان این دوگانه حاکمیت و مردم است نقطه عبور مردم از حاکمیت، رد شدن از سوی همه هنجارها، ارزش ها و هر آنچه به جمهوری اسلامی تعلق خاطر داشته، دارد یا خواهد داشت! نبرد مردم ایران و حاکمیت وارد فاز مبارزه ایدیولوژیک شده اند جایی که از نگاه مردم هر چیزی که موافق جمهوری اسلامی است دشمن است و هر چیزی که مخالف جمهوری اسلامی است دوست.

بعد از فساد سیستماتیک، بحران مشروعیت باید گفت شکاف مردم و حاکمیت آخرین حلقه زنجیر ارتباطی است که گسیخته شده و جمهوری اسلامی را در لبه پرتگاه قرار داده است. بادی، بارانی لازم است تا این جرثومه فساد و تباهی را برای همیشه از ذهن تاریخ پاک شود. شاید بادی از نفس کرم توده های مردم یا بارانی از اشک هزاران مادر داغدار که فرزندان شان قربانی کینه توزی دیکتاتور پیر شده اند، پایان این داستان غم انگیز باشد! یک قدم مانده تا فروپاشی!

## سورینی کوردستان

# به آتش کشیدن جنگلهای کوردستان یک موضوع همگانی است و برای رژیم فرقی نمی‌کند که کدام قسمت از محیط کوردستان باشد



عکس: شهید شریف باجور

### مصاحبه: شهرام سبحانی

**اشاره:** کوردستان از نظر منابع طبیعی از جمله جنگل‌های انبوه و مراتع غنی است. اما دولت‌های مرکزی به ویژه در زمان جمهوری اسلامی تا آنجا که توانسته‌اند منابع طبیعی کوردستان را غارت کرده‌اند. سپس از آن برای تضعیف جنبش سیاسی کورد و برای اهداف دیگر استفاده کردند بخصوص در رابطه با جنگل‌ها، سائهاست که جنگل زدایی و سوزاندن جنگل‌های کوردستان سوژه داغ رسانه‌ها و دغدغه بزرگ دوستداران محیط زیست و میهن پرستان کوردستان بوده است و جمهوری اسلامی برای اهداف سیاسی و نیز دستاوردهای اقتصادی به آن ادامه میدهد. این در حالی است که تشکل‌ها و فعالان محیط زیست در این عرصه تحت فشار، دستگیری و هزینه‌های سنگینی هستند. دستگیر و با هزینه‌های هنگفتی روبرو میشوند. کوردستان برای بررسی سیاست‌های رژیم در قبال محیط زیست و جنگلهای کوردستان، مصاحبه‌ای با یکی از فعالان محیط زیست با نام مستعار "سورینی کوردستان" داشته است.

**علت تخریب جنگل‌های زاگرس به طور عام و مریوان به طور خاص توسط مزدوران رژیم چیست؟**

در اینجا می‌خواهم به دو نکته اساسی اشاره کنم که هم عامل این بحران‌ها و

فاجعه‌هاست که رژیم در قبال تخریب محیط زیست از طریق نهادهای خود انجام میدهد. اول اینکه تخریب جنگل‌ها مختص مریوان یا یک منطقه خاص در کوردستان نیست، بلکه یک موضوع همه‌گانی است. که از استان سنندج تا کرمانشاه، ایلام، لرستان، خراسان، سردشت و پیرانشهر امتداد دارد. و آنها به بهانه مسائل ملی و امنیتی و اغلب به بهانه وجود اپوزیسیون کورد به طور سیستماتیک مورد هدف رژیم اشغالگر ایران قرار می‌گیرند. متأسفانه این سیاست برای نابودی این ثروت ملی و منابع طبیعی تا به امروز ادامه دارد. دوم اینکه مسئله گرسنگی و فقیر شدن مردم کوردستان یکی دیگر از این دلایل است یا بهتر بگوییم راه را برای افراد سودجو و منفعت طلب و همراهان رژیم هموار می‌کند که آنها آگاهانه و ناآگاهانه دست به تخریب و بریدن می‌زنند که هر دو عامل اصلی خود رژیم جمهوری اسلامی ایران است.

**• مکان‌هایی که توسط مزدوران رژیم تخریب شده‌اند، دقیقاً کجاست؟**  
پاسخ این سوال کل کوردستان بزرگ را در بر می‌گیرد و مختص به مکان خاصی نیست به عنوان مثال: چند مکان حساس و مهم را ذکر می‌کنم. مرزهایی که همیشه پاکسازی شده، جنگل‌ها سوخته و پایگاه نیروهای آنها و حتی سکوهای موشکی نصب شده است،

کوه‌های سورن، شاهو، کوسلان، هه‌ورامان و ... بخشی از آنهاست.  
• محل مانور و آموزش نیروها و سلاح‌های آنان که هر ساله موجب آتش‌سوزی می‌شود و یا به طور کامل مصادره و اشغال شده و متعلق به خودشان است.  
• سلب مالکیت منطقه زیربار و اطراف مریوان که شامل حومه شهر می‌شود و به بهانه املاک و خرید و فروش از طریق نهادهای مربوطه خود به مبلغ هنگفت تخریب و سپس به غیرنظامیان و نظامیان فروخته می‌شود.

**• آیا مردم این مناطق نسبت به این جنایات برخورد جدی داشته‌اند؟**  
بله، مردم و تشکل‌های محیط زیست ده‌ها بار به این جنایات اعتراض کرده و دست به اقدامات شدید سیاسی و مدنی زده‌اند. به همین دلیل مردم و فعالان مدنی دستگیر و شکنجه شده‌اند، مثلاً من به پایگاه نفتی اشاره می‌کنم که سال‌ها پیش می‌خواستند در کنار زیربار بسازند که با اعتراض مردم و "انجمن سبز چیا" مواجه شدند که خوشبختانه پس از تلاش مردم و انجمن این پروژه به نتیجه نرسید. مسدود نمودن راههای مواصلاتی مرز مریوان یعنی باشماخ بر روی کامیونهای باری رژیم ایران که طی آن چندین روز مردم اعتراض نمودند که علیرغم آن متأسفانه بدون نتیجه ماند.

اعتراض بی حد و حصر به بستن سدها به ویژه سد «کانی بل» در هه‌ورامان که موجب اعتراض مردم منطقه و نهادهای

**اعتراض "انجمن سبز چیا" و مردم مریوان در خصوص زباله‌دان مریوان معروف به زباله‌دان روستای "اسراوا" و آوردن کارخانه بازیافت به آن محل که مردم بومی در آنجا کارکنند. که تعیین کننده‌ای در از بین بردن زباله‌ها برای "اسراوا" داشتند. این باعث شد که آنها کینه‌های خصمانه علیه فعالان جامعه مدنی ایجاد کنند و به فکر انتقام بیفتند. متأسفانه این موضوع منجر به شهادت شریف و یارانش شد. اما رژیم در این امر موفق نبوده و مشکل همچنان پابرجاست. دره "سماقان" در منطقه سرشیو مریوان که مردم و سازمان‌های محلی به ویژه انجمن "سبز چیا" و شهید "شریف" و همراهانش با اعتصاب، اقامت و چادر زدن از انتقال زباله به آن محل جلوگیری کردند.**

مدنی شد که پس از تلاش‌های فراوان نیز

بی نتیجه ماند.  
• اعتراض "انجمن سبز چیا" و مردم مریوان در خصوص زباله‌دان مریوان معروف به زباله‌دان روستای "اسراوا" و آوردن کارخانه بازیافت به آن محل که مردم بومی در آنجا کارکنند. که با شهرداری و نیروهای امنیتی پس از فشارهای زیاد منجر به خشونت، مجروح شدن و دستگیری تعدادی از مردم و اعضای سازمان‌ها در مریوان شد. اگر نام شهید "شریف باجور" را نیآورم، فکر می‌کنم به او خیانت کرده‌ام، زیرا مرحوم شهید و همزمانش نقش تعیین کننده‌ای در از بین بردن زباله‌ها برای "اسراوا" داشتند. این باعث شد که آنها کینه‌های خصمانه علیه فعالان جامعه مدنی ایجاد کنند و به فکر انتقام بیفتند. متأسفانه این موضوع منجر به شهادت شریف و یارانش شد. اما رژیم در این امر موفق نبوده و مشکل همچنان پابرجاست. دره "سماقان" در منطقه سرشیو مریوان که مردم و سازمان‌های محلی به ویژه انجمن "سبز چیا" و شهید "شریف" و همراهانش با اعتصاب، اقامت و چادر زدن از انتقال زباله به آن محل جلوگیری کردند.  
• اعتراض ۳ شهریور ۱۳۹۷ پس از شهادت شریف و یارانش در خیابان‌های مریوان و متهم کردن سپاه تروریستی پاسداران توسط تمامی نهادهای مدنی با مردم کوردستان و سردادن شعارهای ملی



در خیابان‌ها از جمله: «کاک شریف راهت ادامه دارد»، «مرگ بر جمهوری اسلامی» و یکسری شعارهای پرشور دیگر که نمونه‌ی کوچکی از برخوردها و اعتراضات مردم و تشکل‌ها بود.

• **آثار و پیامدهای جنگل‌زدایی و سوزاندن آنها در مریوان، چقدر تأثیرات منفی بر نابودی اکوسیستم مثلا زندگی پرندگان مهاجر و سایر حیوانات داشته است؟**

البته محیط زیست رابط زندگی بین تمام موجودات و حیوانات روی زمین است که با هیچ چیز قابل توصیف نیست. من معتقدم دست انسان محیط زیست را آلوده کرده است و هر نوع دخالت در محیط

زیست باعث سوختن و نابودی جنگل‌های زمین شده و عواقب بسیار خطرناک و فاجعه‌باری به همراه داشته است. این قطعا تأثیر منفی بر حیوانات داشته است و منجر به انقراض آنها می‌شود که اکنون کم و بیش اینجا ما آنرا احساس می‌کنیم. بنابراین جمهوری اسلامی و نهادهای ذیربط آن هم بیشترین جنایت را مرتکب شده و هم بیشترین مسئولیت را در این قبال برعهده دارند.

• **برخورد تشکل‌های محیط زیست مریوان با این جنایات چگونه بوده است؟**

به نظر شما چقدر در مقابله با این سیاست‌ها موثر بوده‌اند؟ موضع

نهادهای جامعه مدنی روشن است. اساسا فعالیت زیست محیطی تلاشی برای توسعه فرهنگ صلح و همزیستی است. تلاش آنها برای یک جامعه سالم، برای شادی، برای احیای زندگی، کرامت انسانی و ارزش‌های انسانی است. محیط بانان با توجه به محبوبیت خود در بین مردم خود از چیزی دریغ نکرده‌اند با روشنگری، کار فرهنگی و آگاهی‌بخشی در جامعه توانسته‌ایم بسیاری از نقشه‌ها، رویاها و خیالات رژیم را خنثی کنیم. ما همیشه به خاطر آبادانی، سرسبزی و حفاظت از کوردستان موضع گرفته‌ایم و روح بهترین فرزندانمان را که سرمایه ملی بودند تقدیم راه آزادی، محیط زیست و طبیعت کوردستان کرده‌ایم

## بازداشت هنرمند اهل گیلانغرب از سوی نیروهای امنیتی رژیم ایران



در ادامه بازداشت هنرمندان کورد از سوی نیروهای امنیتی و اطلاعاتی

جمهوری اسلامی، "بردین جعفری"، هنرمند میهن‌پرست و مردمی اهل شهرستان گیلانغرب کرمانشان بازداشت شد.

بنا بر گزارش "کوردپا"، روز جمعه ۱۴ اردیبهشت‌ماه، نیروهای امنیتی رژیم بدون ارائه حکم قضایی و با توسل به خشونت به منزل "بردین جعفری" یورش برده و ضمن بازداشت نامبرده، وسایل شخصی‌اش از جمله موبایل و لپ‌تاپ این هنرمند را ضبط و توقیف کردند. این هنرمند میهن‌پرست در مراسم نوروزی گیلانغرب که علیرغم تهدید و ممانعت شدید نهادهای امنیتی رژیم با حضور بیش از ۳۰ هزار نفر برگزار شده بود،

سرود حماسی "پایدار بمینی کوردستانم" (پایدار باشد کوردستانم) را سر داده بود. بردین جعفری پیش‌تر نیز به مناسبت‌های روز جهانی زن، روز زبان مادری، نوروز، مقاومت عفرین و کمک به زلزله‌زدگان سرپل‌ذهاب و مردم سیل‌زده لرستان سرودهایی از جمله "ژن"، "هاوزووان"، "یه‌که‌شناس"، "نیشتمان" و ... را منتشر کرده است. در همین رابطه، شامگاه سه‌شنبه ۱۱ اردیبهشت‌ماه، "هادی لاهه" هنرمند جوان اهل اشنویه از سوی نیروهای امنیتی رژیم با توسل به خشونت بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد.

## تظاهرات کوردستانیان و ایرانیان در حمایت از توماج صالحی در شهرهای مختلف جهان



روز یکشنبه ۹ اردیبهشت‌ماه، کوردستانیان و ایرانیان ساکن شهرهای مختلف جهان در حمایت از توماج صالحی، هنرمند مردمی و محکوم به اعدام و محکومیت رژیم اسلامی ایران اقدام به برپایی تظاهرات کردند.

تظاهرکنندگان در شهرهای مختلف جهان از جمله: کلن، هامبورگ، هانوفر، دوسلدورف، استکهلم، مالمو، کپنهاگ، لندن، پاریس و ... اقدام به برپایی تظاهرات گسترده کردند و خواستار لغو محکومیت اعدام توماج صالحی و دیگر زندانیان سیاسی از جمله رضا رسایی، مجاهد کورکور و عباس دریس شدند.

معترضان و مخالفان رژیم اسلامی طی روزهای اخیر و پس از صدور حکم اعدام توماج صالحی، هنرمند مردمی و زندانی سیاسی، در شهرهای مختلف اروپا، آمریکا و کانادا تظاهرات گسترده‌ای برگزار کرده‌اند. همزمان با تجمع‌های اعتراضی گسترده در خارج از کشور، بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی در جریان تجمعات اعتراضی هفتگی خود علیه صدور حکم اعدام برای توماج صالحی شعارهایی از قبیل: "توماج یه ملت، ملت رو آزاد کنید"، "توماج صالحی آزاد باید گردد"، سر دادند. همچنین ۱۰ تن از زندانیان سیاسی محبوس در زندان قزلحصار کرج صدور حکم اعدام برای توماج صالحی را "توک

حتما می‌دانید و شنیده‌اید که در استان کرمانشان و لرستان، رژیم برای هدفی خاص جنگل‌های زاگرس را تخریب می‌کند و به جای آن اقدام به تولید مواد مخدر می‌کند. به نظر شما این تلاش‌های رژیم می‌تواند این توطئه‌ها را به دنبال داشته باشد؟ با توجه به این سوال و موقعیت‌های مختلف منطقه‌ای استان‌ها، ممکن است نوع آن یکسان نباشد، یا به شیوه و شکلی خاص که من نمی‌توانم قضاوت کنم یا خوانشی صحیح و علمی از آن داشته باشم اما اینجاست که این برنامه‌ها و تلاش‌ها تأثیر چندانی در این باره نداشته است. به طور کلی می‌توان گفت که در آینده تأثیرات منفی و مخربی به دنبال خواهد داشت. بدیهی است که با

سازمان بین‌المللی حقوق بشر ایران اعلام کرد که در دو هفته گذشته یعنی ۲۸ فروردین تا ۱۲ اردیبهشت، حکم اعدام ۷۱ نفر در زندان‌های ایران به اجرا درآمده است.

طبق گزارش این سازمان، در میان ۷۱ زندانی که طی روزهای اخیر در ۲۴ زندان مختلف ایران اعدام شده‌اند، حکم ۶۳ نفر این افراد فقط در دو هفته ماه اخیر اجرا شده است.

سازمان حقوق بشر ایران همچنین اعلام کرد که موج اعدام‌ها در ایران در ماه فروردین پس از وقفه‌ای کوتاه بدلیل تعطیلات نوروز و رمضان با سرعت کم سابقه‌ای آغاز شده است.

همچنین بنا بر این گزارش، طی چهار ماه نخست سال ۲۰۲۴ میلادی، ۱۷۱ نفر

دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی با بازداشت خودسرانه ۱۴ شهروند کورد در اشنویه، طی بازه زمانی سه روزه، درصدد انتقام‌گیری از برگزاری مراسمات نوروزی در این شهرستان و کوردستان است. آغاز این موج بازداشت و پرونده سازی در ارتباط با مراسمات نوروزی با هدف ارباب جامعه، جهت کنترل و ممانعت از برگزاری این مراسمات در سال‌های آینده است.

اردیبهشت ۱۴۰۳؛ طی مدت سه روز از ۱۱ تا ۱۳ اردیبهشت‌ماه، مجموع ۱۴ شهروند کورد در اشنویه و ۸ روستای تابع این شهرستان بازداشت شدند. تمامی این ۱۴ شهروند بدون ارائه حکم قضایی بازداشت شدند و از مکان بازداشت و سرنوشت آنها اطلاعی در دست نیست. همچنین بازداشت همراه با خشونت، یورش به منازل و تخریب آن و توقیف وسایل شخصی در مورد اعم بازداشت‌شدگان صورت گرفته است. گفته می‌شود مسئولیت اعم بازداشت‌شدگان با اطلاعات سپاه است.

جزئیات و مشخصات بازداشت‌شدگان؛ هادی لاهه، خواننده محبوب و مردمی و رحیم رفعتی اهل اشنویه بوده‌اند.

آکو ابراهیمی و آرمان ابراهیمی، اهل روستای «آلکاو» بوده‌اند.

جعفر رسولی، اهل روستای «بیمضرتی» بوده است.

محمد سلطان‌پور و فخرالدین مدرسی اهل روستای «ده‌شمس» بوده‌اند.

غفور شیخ‌محمدی و امید رشیدپاک،

سوزاندن و تخریب جنگل‌ها، هم از نظر تخریب اکوسیستم‌های منطقه و هم از نظر تغییر آب و هوای و نابودی موجودات و حیوانات و ده‌ها آسیب و تهدید برای جمعیت منطقه و تشدید مهاجرت، خشک شدن منابع اقتصادی، و ... که متأسفانه در نهایت دودش به چشم مردم بیچاره کورد و محیط اطراف کوردستان می‌رود. در مجموع می‌توانم بگویم که موضوع به آتش کشیدن جنگل‌های زاگرس و توطئه‌های خطرناک رژیم در این باره، یک موضوع همه‌گانی است و برای رژیم فرق نمی‌کند که کدام منطقه از کوردستان باشد.

منمنون از اینکه برای این مصاحبه وقت گذاشتید. خواهش میکنم.

## هر ۵ ساعت یک اعدام در ایران توسط رژیم ایران

در زندان‌های رژیم اسلامی ایران اعدام شده‌اند.

محمود امیری‌مقدم، مسئول سازمان حقوق بشر ایران در رابطه گفت که طی دو هفته گذشته، جمهوری اسلامی در هر ۵ ساعت یک نفر را بدون پرداخت هیچ هزینه‌ای اعدام کرده و کشورهای پایبند به حقوق بشر که با جمهوری اسلامی روابط دیپلماتیک دارند باید در قبال موج اعدام‌ها در ایران واکنش نشان دهند. فقدان واکنش راه را برای اعدام‌های بیشتر هموار می‌کند سازمان حقوق بشر ایران و بیش از ۸۰ سازمان و نهاد ایرانی و بین‌المللی مدافع حقوق بشر حدود سه هفته پیش با انتشار بیانیه‌ای خواستار اقدام مشترک جهت پایان دادن به مجازات اعدام مرتبط با مواد مخدر بودند.

## اشنویه؛

## بازداشت ۱۴ شهروند طی سه روز

اهل روستای «علی‌آباد» بوده‌اند. حسام‌الدین محمودی، اهل روستای «کانی سورک» بوده است.

مولود روستا و حسن رسولی، اهل روستای «حسن‌نوران» بوده‌اند.

یوسف حاجی‌خوش، عضو شورای مرکزی و هیئت اجرایی جبهه متحد کورد، اهل روستای «کهنه قلعه» است.

و صلاح قاضی، اهل روستای «گندویله» است. علاوه بر بازداشت این ۱۴ تن، تعدادی دیگر از شهروندان شهرستان اشنویه در همین ارتباط به نهادهای امنیتی احضار و هدف بازجویی قرار گرفته‌اند.

همچنین نیروهای امنیتی به منزل خانوادگی تعدادی از افراد یورش برده و علاوه بر «شکستن درب و پنجره و وارد شدن با پوتین به این منازل»، موبایل‌های آنها را بدون ارائه حکم قضایی ضبط کرده و با خود برده‌اند.

هنگامی که این افراد برای بازگیری موبایل‌هایشان به اداره اطلاعات سپاه مراجعه کرده‌اند، به آنها گفته‌اند موبایل‌هایشان توسط وزارت اطلاعات توقیف شده است.

تاکنون موبایل‌های توقیف شده توسط وزارت اطلاعات به این افراد پس داده نشده است.

پس از برگزاری مراسمات نوروزی در برخی از روستاهای اشنویه از جمله «حسن‌نوران»، «علی‌آباد»، «آلکاو»، «ده‌شمس»

و همچنین نقاطی از شهر مانند پارک جنگلی «قلاتوک»، دستگاه سرکوب رژیم

هشادت وارد عمل شدند.



## صدور حکم بی‌شرمانه اعدام برای توماج صالحی محکوم است



کنگره ملیت‌های ایران فدرال  
Congress of Nationalities for  
Federal Iran

### قبل از خداحافظی

در زندان رفته بود سخن گفت. پیامد انتشار این ویدئوهای افشاگرانه، مجدداً دستگیر و بازداشت بود. این بار شکنجه و فشار برای شکستن وی دو چندان شد، اما وی همچنان مقاومت کرد و در نهایت بیدادگاه رژیم حکم به اعدام وی داد.

حکومت اسلامی ایران از همان ابتدای استقرارش، شمشیر را در مقابل مردم از رو بست و در مقابل خواسته‌ها و مطالبات مردم تنها با سرکوب و زندان و شکنجه و اعدام پاسخ داد. این روزها در این حکم اعدام توماج تنها نیست و رضا رسایی، شهروند کورد یارسان که در پیوند با جنبش "زن، زندگی، آزادی" و در جریان حمله‌ی ماموران امنیتی به مراسم سالگرد سید خلیل عالی‌نژاد بازداشت شده بود و حبیب و عباس دریس شهروندان عرب اهوازی، که در بهمن‌ماه ۱۳۹۷ و بعد قتلگاه نیزارهای معشور و با اتهامات امنیتی در شهر معشور (ماهشهر) بازداشت شدند، در خطر اعدام هستند.

رژیم در بحران شدیدی در داخل و منطقه گرفتار است. برای مقابله با بحران و خاموش کردن جنبش‌های اعتراضی مردم، به ویژه جنبش مقاومت زنان که پس از خیزش انقلابی "زن،

دو ائتلاف سیاسی "کنگره ملیت‌های ایران فدرال" و "همبستگی فراگیر برای آزادی و برابری در ایران" طی بیانیه‌ای صدور حکم اعدام برای "توماج صالحی" را محکوم کرده و خواستار آزادی تمامی زندانیان سیاسی شدند.

متن بیانیه بدین شرح است: شعبه یکم دادگاه انقلاب اصفهان توماج صالحی هنرمند لر بختیاری را به اعدام محکوم کرده است. اتهام توماج صالحی "فساد فی الارض" در ارتباط با پرونده‌ای است که در اعتراضات ۱۴۰۱ ساخته شده است. این خواننده محبوب مردم با آهنگ‌های خود که بیانگر مسائل و مشکلات مردم است، صریح و بی‌پروا دردهای مردم را در اشعار خود بیان میکرد و با شروع اعتراضات سراسری به قتل ژینا (مهسا) با تمام انرژی با معترضان همراه شد.

توماج صالحی سال گذشته دستگیر شد و در زندان زیر شکنجه جسمی و روحی مقاومت کرد و نهایتاً رژیم اسلامی ناگزیر از آزادی او شد. توماج بعد از خروج از زندان ساکت نشست و با انتشار ویدئوهایی از آنچه بر وی

هر وسیله‌ای برای انعکاس آن در عرصه بین‌المللی کوتاهی نکنند. ما، اعتقاد راسخ داریم که مبارزه هماهنگ و همراه همه جنبش‌های مردمی تنها راه ممکن برای سرنگونی حکومت اسلامی ایران و رسیدن به آزادی، دموکراسی و برابری در ایران است.

ما، دو ائتلاف سیاسی "همبستگی فراگیر" و "کنگره ملیت‌های ایران فدرال" بر این باوریم که حکم "اعدام" مجازاتی است غیر انسانی و بر خلاف آنچه گفته شده و می‌شود، نه تنها بازدارنده خشونت در جامعه نیست، که خود عامل تشدید آن است و باید با جدیت بسیار در جهت لغو حکم "اعدام" از قوانین قضائی تلاش کرد.

**کنگره ملیت‌های ایران فدرال**  
**همبستگی فراگیر برای آزادی و برابری در ایران**  
**(ائتلاف سیاسی متشکل از چهارده حزب، سازمان و جریان سیاسی)**  
**سه‌شنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۳**  
**۳۰ آوریل ۲۰۲۴**

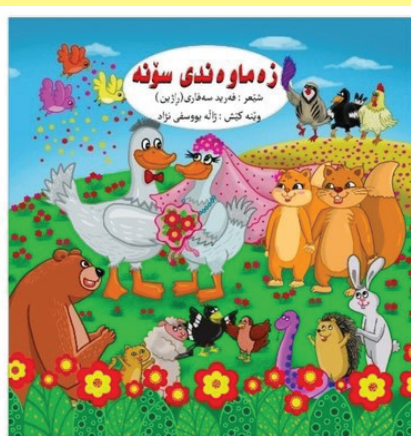
ما، صدور حکم اعدام برای توماج صالحی و تمامی مبارزین راه آزادی و دموکراسی را محکوم کرده و خواهان آزادی تمامی زندانیان سیاسی هستیم. ما از همه مردم و نیروهای سیاسی آزادی‌خواه و دمکرات می‌خواهیم تا صدای اعتراض خود را بلند کرده و از

زندگی، آزادی" همچنان در مقابل تعرضات حکومت مقاومت می‌کنند، تنها راهی که می‌شناسند، سرکوب و سرکوب بیشتر است.

حکم اعدام توماج صالحی تلاشی مذبوحانه از سوی رژیم برای هراس افکنی و وادار کردن مردم به لب فرو بستن است.

علیرغم تشبثات رژیم و سرکوب‌های شدید، جنبش‌های کارگران، بازنشستگان، دانشجویان، معلمان، دادخواهان و جوانان و زنان و ملیت‌ها، برای رسیدن به خواسته‌های برحق خود ادامه داشته و روز بروز گسترده‌تر می‌شود. رژیم با تلاشی مذبوحانه سعی دارد تا بار دیگر مقاومت گسترده آنان را درهم بشکند.

## "زهماوندی سونه" کتاب شعر ویژه کودکان چاپ شد



کتاب شعر "زهماوندی سونه" که مخصوص کودکان گروه "ب" است به چاپ رسید. کتاب "زهماوندی سونه"، به نویسندگی "فرید صفاری (راژین)"، عضو مرکز نویسندگان کوردستان و مسئول انجمن ادبی "تالا" و در ۱۲ صفحه و از سوی انتشارات "زانت" به چاپ رسیده است.

گفتنی است که این نویسنده کورد پیشتر نیز چندین اثر دیگر به نام‌های "کوئتری ناشتی"، "قارهمانی کوستان"، "که‌وریشکه خو به زل زان"، "که‌وشدووری دلوفان"، "خرتی" را چاپ و منتشر کرده است.

شایان ذکر است که کتاب شعر "خرتی" سال قبل عنوان "کتاب سال" در استان سندج را به خود اختصاص داده بود

## ایران در رتبه دومین زندان بزرگ نویسندگان و بزرگ‌ترین زندان نویسندگان زنان

درصد این آزادی‌ها با قید وثیقه بوده و نویسندگان با محدودیت‌های حرفه‌ای و احتمال بازداشت مجدد روبرو هستند. کارین دوپچ کارل کار، مدیر برنامه نویسندگان در معرض خطر انجمن قلم آمریکا در این رابطه گفت که این سرکوب‌ها منجر به افزایش خودسانسوری در میان نویسندگان ایرانی شده، نویسندگان که تعداد قابل توجهی از آنها به همین دلیل از ایران فرار کرده‌اند.

بر مبنای این گزارش، در سال ۲۰۲۲ میلادی، تعداد نویسندگان زندانی در زندان‌های رژیم اسلامی ۵۷ نفر بوده که این تعداد در سال ۲۰۲۳ به ۴۹ نفر کاهش یافته که عمدتاً در حمایت از خیزش انقلابی ژینا بازداشت و زندانی شده‌اند. از سوی دیگر در بین ۴۲ نویسنده زن زندانی در جهان، ۱۶ نفر آن در زندان‌های جمهوری اسلامی محبوس هستند. در این گزارش آمده است که علیرغم آزادی شماری از نویسندگان زندانی، ۷۰

به گزارش انجمن قلم آمریکا و بنا بر معیار "شاخص آزادی نوشتن"، ایران دومین زندان بزرگ نویسندگان جهان پس از چین و بزرگ‌ترین زندان نویسندگان زن در جهان است.

روز جمعه ۱۴ اردیبهشت‌ماه، بر اساس بیانیه انجمن قلم آمریکا، رژیم اسلامی ایران بزرگ‌ترین زندان نویسندگان زن در جهان به شمار می‌رود، که بسیاری از آنان تنها بدلیل مخالفت با حجاب اجباری زندانی شده‌اند.

## وکیل سامان یاسین: موکلم بیمار است و از آزادی وی جلوگیری می‌کنند



دادگاهی‌اش اعلام کرده که هنوز گزارش اعلام نظر پزشک متخصص به دادگاه انقلاب ارسال نشده و نمی‌تواند پرونده را برای صدور عدم تحمل حبس و آزادی به پزشکی قانونی ارجاع دهد.

سامان یاسین که بیش از ۱۸ است در بازداشت موقت به سر می‌برد، در مورخ ۲ اردیبهشت سال جاری به دستور دادگاه انقلاب تهران به ۵ سال حبس و تبعید به یکی از شهرهای کرمان محکوم شد.

سامان سیدی مشهور به سامان یاسین، اهل کرمانشاه و ساکن تهران در مهرماه ۱۴۰۱ و بدلیل حمایت از اعتراضات مردمی بازداشت و سپس به اتهام محاربه، از سوی دادگاه انقلاب و تهران به اعدام محکوم شد و سپس این حکم از سوی دیوان عالی رژیم لغو و در آخرین حکم به ۵ سال حبس و تبعید محکوم شد.

وکیل سامان یاسین گفت که علیرغم آنکه نامبرده مشمول قانون عدم تحمل حبس می‌شود، اما مسئولان از آزادی موکل از زندان قزلحصار کرج جلوگیری می‌کنند.

روز جمعه ۱۴ اردیبهشت‌ماه، رامین صفرنیا در شبکه اجتماعی ایکس نوشت که روز پنجشنبه در شعبه ۲۸ و ۱۵ دادگاه انقلاب پیگیر پرونده سامان یاسین بوده تا اجازه ورود به پرونده را داشته باشد.

صفرنیا افزود: بر اساس گزارش بیمارستان رازی تهران که به زندان قزلحصار کرج ارسال شده است، بیماری‌های موکل مشهود است و لزومی است که پرونده پزشکی نامبرده به پزشکی قانونی ارجاع داده شود.

این وکیل همچنین گفت که سامان یاسین با تلفن وی را مطلع کرده که قاضی شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب در روز